

## • (إمام ينسب الفعل لنفسه والمقصود هو إمام آخر ..)

امام انجام کاری را به خود نسبت می‌دهد و حال آن که منظورش امام دیگری است ....

أمر آخر واضح لمن طالع روايات آل محمد (عليهم السلام) وهو أنّ إماماً منهم - روعي فداهم - ينسب الفعل لنفسه ولكنه يقصد (عليه السلام) بذلك إماماً من ولده ويعتبر فعله فعله، والأمر يطول لو أردت نقل جميع الشواهد على هذه الحقيقة، لكنني أكتفي بنقل نصين للتدليل فقط:

کسی که روایات آل محمد (علیهم السلام) را مطالعه کرده باشد به روشنی درمی‌یابد که گاه یکی از ائمه (علیهم السلام) -جانم فدای آنها- انجام کاری را به خودش نسبت می‌دهد ولی در واقع، منظورش انجام آن کار توسط امامی از فرزندان او است و وی، عمل او را عمل خودش می‌نامد. اگر بخواهم تمام شواهد و دلایلی که در این خصوص وجود دارد را نقل کنم، بحث به درازا می‌کشد؛ فقط به بیان دو مورد اکتفا می‌کنم:

**الأول:** قال أمير المؤمنين (عليه السلام) عن نفسه في إحدى خطبه: (أنا من كلم موسى)، وفي ذات الوقت قال (عليه السلام) وهو يتحدث عن آخر الزمان: (.. يا جابر إذا صاح الناقوس، وكبس الكابوس، وتكلم الجاموس - الذي كثر صمته ولما نطق نطق كفراً - فعند ذلك عجائب وأي عجائب .. وبعد أن ذكرها، قال: فتوقعوا ظهور مكلم موسى من الشجرة على الطور، فيظهر هذا ظاهر مكشوف، ومعاین موصوف.. ثم بكى صلوات الله عليه، وقال: واهاً للأمم .. (1).

**مورد اول:** امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از خطبه‌هایش در مورد خود می‌فرماید: «(من، کسی هستم که با موسی سخن گفت)». در همان هنگام، آن حضرت درباره‌ی آخرالزمان می‌فرماید: «ای جابر، هنگامی که ناقوس به صدا درآید و سایه‌ی شوم کابوس بر همه جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید -همو که سکوتش طولانی است ولی وقتی سخن بگوید، کفر می‌گوید- در چنین زمانی، شگفتی‌ها پدید خواهد آمد و چه شگفتی‌هایی ....» و پس از آن که یادی از آن نمود، فرمود: «پس در این هنگام منتظر ظهور کسی باشید که در طور سینا از درخت با موسی سخن گفت. او

به گونه‌ای نمایان و آشکار، ظاهر می‌گردد؛ (به گونه‌ای که) بیننده (می‌تواند) آن را توصیف کند....» سپس امیرالمؤمنین صلوات الله علیه گریست و فرمود: «افسوس بر امتهای....»<sup>۲</sup>.

**الثانی: عن عبایة الأسدي، قال: (سمعت أمير المؤمنين (عليه السلام) وهو مشنكى - هكذا في المصدر، وقيل: ربما متكى - وأنا قائم عليه يقول: لأبنين بمصر منبراً، ولأنقض دمشق حجراً حجراً، ولأخرجن اليهود والنصارى من كل كور العرب ولأسوقن العرب بعصاي هذه، قال: قلت له: يا أمير المؤمنين كأنك تخبر أنك تحيي بعد ما تموت؟ فقال: هيهات يا عبایة ذهبت في غير مذهب يفعله رجل مني) (3). فالامام أمير المؤمنين (عليه السلام) ينسب الفعل لنفسه مع أنّ فاعله المباشر هو رجل من ولده، فما وجه ذلك؟ في هذا كنت قد سألته (عليه السلام)، فقلت: ما ورد في كثير من الروايات من أنّ إماماً ما ينسب الفعل لنفسه مع أنه يقصد إماماً آخر من ولده كما ورد في "مكلم موسى"، و "يفعله رجل مني"، فهل صحة النسبة لأنه منه فقط، أم أن هناك أمراً آخر؟ وهل له ربط باتحاد أنوارهم في السماء السابعة؟**

**مورد دوم:** از عبایه اسدی نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حالی که «مشنکی» بود در منبع چنین آمده، و گفته شده: شاید منظور «تکیه داده» باشد و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم فرمود: «در مصر منبری خواهم ساخت و ساختمان‌های سنگی دمشق را یک به یک ویران خواهم نمود و یهود و نصاری را از همه‌ی سرزمین‌های عرب بیرون خواهم راند و عرب را با این عصای خود هدایت خواهم کرد». عبایه می‌گوید: من به آن حضرت عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، گویی شما خبر می‌دهی که بعد از مردن بار دیگر زنده خواهید شد؟ حضرت فرمود: «هیهات! ای عبایه تو به راه دیگری رفته‌ای (مقصود من از این سخنان آن گونه که تو گمان کرده‌ای نیست). آنچه را که گفتم، مردی از دودمان من انجام خواهد داد»<sup>۴</sup>. بنابراین، امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام این کار را به خودش نسبت می‌دهد و حال آن که فاعل مستقیم آن، یکی از فرزندان آن حضرت (علیه السلام) است. این چه مفهومی دارد؟ در این خصوص از احمد الحسن (علیه السلام) سؤال کردم و گفتم: در روایات زیادی وارد شده که امامی، انجام کاری را به خودش نسبت می‌دهد و حال آن که منظورش

۲ - بحار الأنوار: جلد 82 صفحه 272.

3. بحار الأنوار: ج 53 ص 59 - 60.

۴ - بحار الأنوار: جلد 53 صفحه 59 و 60.

امام دیگری از فرزندان است؛ همان طور که در «مُکَلَّم موسی» (سخنگوی موسی) و «مردی از من آن را انجام می‌دهد» وارد شده است. آیا درستی این انتساب فقط از آن جهت است که وی از ایشان است یا این که موضوع دیگری وجود دارد؟ و آیا این قضیه با اتحاد نورهای ایشان در آسمان هفتم مرتبط است؟

**فأجابني (عليه السلام): (وفقك الله، في هذا العالم الجسماني نعم هو منه؛ لأنه من ذريته، وفي السماء السابعة هو منه؛ لأنه دونه وبعض حقيقته).**

ایشان (علیه السلام) در پاسخ من فرمود: «خداوند تو را توفیق دهد! در این عالم جسمانی آری، وی از او است زیرا از ذریه‌اش می‌باشد. در آسمان هفتم (نیز) از او است زیرا وی در مرتبه‌ای پایین‌تر از او و بخشی از حقیقت آن حضرت است.»

عندها، يكون ذلك باباً يمكننا من خلاله معرفة بعض ما ورد من روايات في صيحة الحق وكونها باسم أمير المؤمنين (عليه السلام)، فإنها - أي الصيحة - ليس بالضرورة أن تكون باسمه (عليه السلام)، بل باسم ذلك الرجل الطاهر من ذريته الذي ينسب للإمام الفعل إليه مع أنه يقول: أنا أفعله، بل هذا هو الحق ولذا يرتاب المبطلون ممن يدعي التشيع عندما يسمعون صيحة إبليس لعنه الله، وليس فقط يرتابون بل يتبرؤون ويقولون إنه سحر من سحر أهل هذا البيت (5) !!!

اکنون، این دریچه‌ای است که ما از طریق آن می‌توانیم برخی از آنچه در روایات درباره‌ی صیحه‌ی (ندای آسمانی) حق و این که به اسم امیرالمؤمنین (علیه السلام) است را بشناسیم؛ نیاز نیست که این صیحه حتماً به نام حضرت امیر (علیه السلام) باشد، بلکه می‌تواند به اسم آن مرد پاکی که از

5. عن الامام الصادق (عليه السلام) في حديث. يذكر. فيه صيحة ابليس (ألا أن الحق في عثمان وشيعته) عقيب صيحة الحق (ألا أن الحق في علي وشيعته) وإيمان أهل الارض بذلك، ثم يقول: (فثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق وهو النداء الأول، ويرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض، والمرض والله عداوتنا، فعند ذلك يتبرءون منا ويتناولونا، فيقولون: إن المنادي الأول سحر من سحر أهل هذا البيت) ثم تلا أبو عبد الله (عليه السلام): **وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ** غيبة النعماني: ص 260.

فهل المقصود بالمرتابين هنا من لا يوالون أهل البيت قبل النداء؟ كيف وهو متبرأ منهم قبل ذلك، إذن أكيد ان المرتابين والمتبرئين بعد نداء الحق هم قوم كانوا يدعون ولايتهم والتشيع لهم وتبريهم يحصل بعد النداء الثاني (فعند ذلك يتبرءون). ثم أقول: كيف يتبرأ شيعي منهم (عليهم السلام) - والعياذ بالله - وهو يسمع النداء باسم علي (عليه السلام) وأن الحق معه؟! كلا، ولكنه النداء باسم مثله في زمن الظهور (يفعله رجل مني)، وفعلاً هذا ما يحصل للناس اليوم بتبريهم من أحمد (عليه السلام) رغم كثرة نداء جبرئيل (عليه)

(السلام) باسمه عبر الرؤى الصادقة التي لا تكاد تحصر. راجع: كتاب (المعترضون على خلفاء الله) أحد إصدارات أنصار الامام المهدي (عليه)

نسل حضرت است، باشد؛ کسی که امام (علیه السلام)، انجام کار را به وی نسبت می‌دهد، اگر چه می‌فرماید: «**من آن را انجام می‌دهم**». این همان حق و حقیقت است و به همین دلیل است که شماری از افراد باطل‌گرا که مدعی تشیع هستند، با شنیدن صیحه‌ی ابلیس لعنت الله، دچار شک و تردید می‌شوند؛ و نه تنها به شک می‌افتند بلکه برائت جسته و می‌گویند این جادویی از جادوهای اهل این خاندان است!!!<sup>۶</sup>

---

آگاه باشید که حق در عثمان و یاران) «به بیان صیحه‌ی ابلیس «الا ان الحق فی عثمان و شیعتہ، در حدیثی امام صادق (علیه السلام) - بلند می‌شود و ایمان (آگاه باشید که حق در علی و یاران او است) «که پس از صیحه‌ی حق «الا ان الحق فی علی و شیعتہ (او است) آورده اهل زمین به آن پرداخت و فرمود خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند به گفتار راسخ بر حق استوار می‌گرداند و این همان ندای اول است و) سپس (در آن روز کسانی که در دل‌هایشان مرضی است، به شک و تردید می‌افتند. به خدا سوگند مرض، دشمنی با ماست. در آن هنگام از ما برائت می‌جویند و با ما دشمنی می‌کنند و می‌گویند: قطعاً منادی اول، جادویی از جادوهای اهل این خاندان است. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود و اگر معجزه‌ای ببینند روی برگردانند و بگویند: جادویی مستمر (دائمی) است غیبت. «(نعمانی: صفحه 260

آیا در اینجا منظور از افراد شکاک و دودل کسانی که قبل از ندا، دوست‌دار اهل بیت نیستند، می‌باشد؟! چگونه چنین چیزی ممکن است در حالی که آنها قبل از ندا، از ایشان برائت جسته‌اند؟ لذا قطعاً افراد شکاک و برائت‌جو پس از ندای حق، قومی هستند که ادعای ولایت اهل بیت و تشیع آنها را داشته‌اند و تبری آنها پس از ندای دوم حاصل می‌گردد (فعند ذلک یتبرئون). حال من می‌گویم: چه طور ممکن است شیعه‌ی اهل بیت از آنها تبری جوید - پناه بر خدا - اگر وی ندا را با نام حضرت علی (علیه السلام) و این که حق با اوست بشنود؟! قطعاً چنین نیست! بلکه ندا به نام مثل او در زمان ظهور است (یفعله رجل منی) و این همان چیزی است که فعلاً برای بسیاری از مردم روی داده است، زیرا آنها از احمد (علیه السلام) تبری جسته‌اند؛ اگر چه جبرئیل از طریق رؤیاهای صادق‌های که از شماره بیرون است، فراوان به اسم او ندا در داده است.

مراجعه کنید به کتاب «معترضین به خلفای الهی» یکی از کتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام)، صفحه 73 به بعد. در آنجا توضیحی مبرهن و مفصل در این خصوص ارائه شده است.